

بانوی صبر می‌شوی و انتظار، برایت کندوی عسل
وقتی تجارت عشق دوسر سود می‌شود؛
یک سرش خدا، یک سرش «شهبانوی دمشق»

www.ketab.ir

چرا ندارد!



شماره پنجم سال اول از مجله «مجموعه روایت‌ها»
تألیف و روایت: شمس‌الدین



اشارات روایت فتح

هرگونه بهره‌برداری متنی، صوتی، تصویری و نرم‌افزاری
(شبکه‌های اجتماعی، پادکست و...) از کل اثر مجاز نیست
(استفاده تبلیغی و ترویجی کوتاه بلامانع است)

عشق چرانداردا

شهید مدافع حرم محمد صاحب‌کرم اردکانی به روایت همسر

به قلم مریم شهیدا

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲، شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

ویراستار: نجمه حسینیان فر

محقق: فاطمه ساریخانی خرمی

مشاور محتوا: مهدیه زکی زاده

طراح جلد و صفحه‌آرا: فاطمه قلی‌نژاد

لیتوگرافی و چاپ: ایلینا گرافیک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۶۶۶-۰

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر برای روایت فتح محفوظ است.

شهیدا، مریم، ۱۳۶۴-

عشق چرا ندارد: روایت داستانی شهید مدافع حرم محمد صاحب‌کرم از زبان همسر به قلم مریم شهیدا،
ویراستار نجمه حسینیان فر، محقق فاطمه ساریخانی خرمی،
تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۴۰۲، ۱۳۰ ص، مصور، عکس.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۰-۶۶۶-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: روایت داستانی شهید مدافع حرم محمد صاحب‌کرم از زبان همسر.

موضوع: صاحب‌کرم، محمد، ۱۳۶۱-۱۳۹۲.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

Persian fiction -- 20th century

شهیدان مسلمان -- سوره -- داستان

Muslim martyrs -- Syria -- Fiction

شناسه افزوده: ساریخانی خرمی، فاطمه، ۱۳۶۸-

ردیف بندی کنگره: PIR۸۱۳۰

ردیف بندی دیویی: A۸۳۷۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۲۶۰۶۹

دقت: ۸۸۸۰۹۷۴۸، فروشگاه: ۸۸۸۹۷۸۱۴، پخش: ۸۸۸۵۳۹۰۸

نشانی: تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، شماره ۱۶

«دل» توی گوش هایت هی ز مرمه می کند و مدام برای رام کردنت، آسمان و ریسمان می بافد. تمام یافته های فکر و ذهنت را حلاجی می کند و گاهی برایت طنابی از منطق می اندازد تا قانعت کند که سر بسیاری به آنچه او می گوید و از تو می خواهد.

«منطق» هم عقل را می اندازد جلو. برایت باید ها و نبایدها را ردیف می کند؛ نباید این کنی، نباید بگذاری، باید این طور بشود، فلانی را مگر ندیدی که فلان کرد و چه به سرش آمد؟! ببین و درس بگیر! ببین و بفهم!

می پذیری اش. گاهی انگار که تمامی عقل و منطق ها قبول دارند این حرف ها را. مثل اینکه نباید جانت را به خطر بیندازی، باید به فکر آسایش و رفاهت باشی و....

و زندگی این چنین می گذرد؛ در تقابل «دل» و «منطق». گاهی تابع دل می شوی و گاهی تابع منطق و عقل. گاهی دل پیروز میدان است و گاهی عقل. بدون اینکه بفهمی به راستی کدام درست تر می گویند، کدام راه درست را نشان

می دهند. شاید اگر راه رفته به بن بست بخورد، با خود بیندیشیدیم که حتماً آن
راه دیگر درست بوده است و....

اما جایی هم هست که این دو در تقابل هم نیستند. هر دو یک راه را نشان
می دهند؛ راهی که عقل انتخابش می کند، دل هم تأییدش می کند. اینجاست
که راه پیش رو راه سعادت می شود، راه تعالی، راهی که از کربلا تا همیشه تاریخ
ادامه دارد...

و این گونه منطق عشق رقم می خورد.

کتاب پیش رو شمه‌ای از این گونه روایت هاست که تقدیم نگاه تان شده است.
لذت خوانش آن گوارای وجودتان.

www.ketab.ir